

# جامه های پارسیان دوره ی هخامنشیان

یحیی ذکاء

رئیس موزه ی مردم شناسی

ومظهر و نماد «مهر» است که در آن روزگاران سخت پرستیده می شده است .

نقش دیگری که باز آنهم بر روی جامه ی سربازان خوزی شوش دیده می شود چهار گوشه یی است که در درون آن بر روی یک تپه شکل سه برج کنگره دار نشان داده شده است . درباره ی وجود این نقش دو گمان میتوان برد ، یکی اینکه این برجهای نمایاننده ی برج دژهای جنگی است که از باستان زمان بر روی تپه ها ساخته می شده ، دیگر آنکه اشاره به ساختمانهای کنگره دار آتشکده هایی است که آنها هم بنا بر یک سنت بسیار باستانی می بایست بر قلعه ی کوه ها و بلندیها ساخته شود .

برای اثبات اینکه این نقش نمایاننده ی برج دژها یا ساختمان آتشکده ها است اینک ، در این جا طرح يك شهر یا دژ جنگی را از آثار بابلی و طرح ساختمان سه آتشکده و پرستشگاه ایرانی را از روی سکه های فراتادارها ، - شاهان بومی پارس که از سال ۲۰۰ پیش از میلاد تا ۲۱۰ میلادی در آنجا فرمانروایی کرده اند - می آوریم تا زمینه ی سخن از هر باره روشن گردد و جای تاریکی برای فهم مطلب بازنماند .

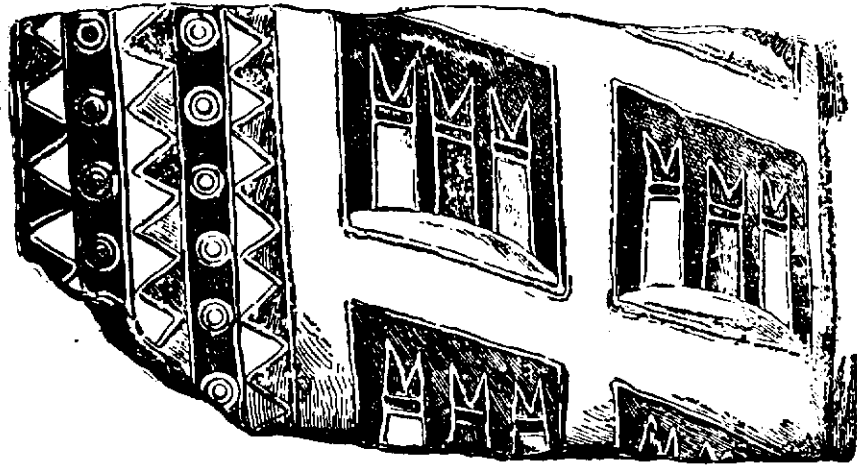
درباره ی معنی و مفهوم این نقش میتوان گمان برد که طرح سه برج یا سه آتشکده ی کنگره دار بر روی تپه ، اشاره به پرستشگاه های سه خدای طرف توجه مردمان آن زمان یعنی اهورامزدا (بغان بگ) و میترا و اردویسور اناهیتا (بغان دیگر) است که «سه گانه ی ورجاوند» (تثلیث مقدس) عهد هخامنشی

گذشته از نقش گل لوتوس یا نیلوفر آبی که به سه گونه بر روی جامه های داریوش و خشایارشا در تخت جمشید دیده می شود و ما در شماره ی بیست و دوم هنر و مردم درباره ی آنها سخنانی نوشتیم ، چهار نقش دیگر مربوط به نقش پارچه های زمان هخامنشیان از ایران در دست است که اینک چند سخنی نیز درباره ی آنها می نویسیم :

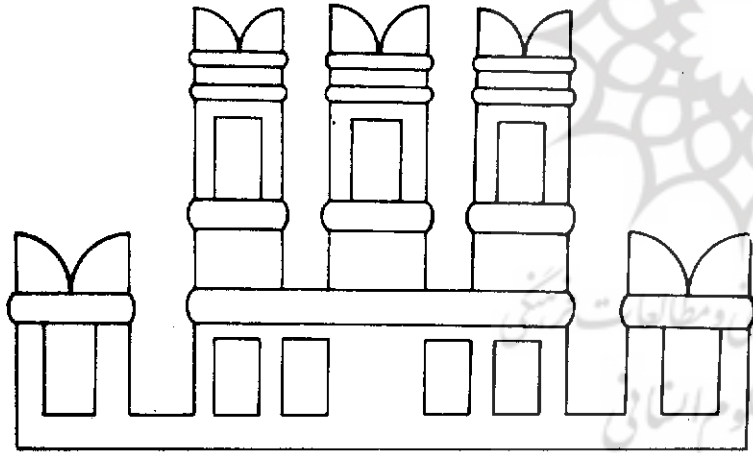
یکی از نقشهای شناخته که بر روی پارچه های دوره ی هخامنشی دیده می شود ، نقش قرص خورشید یا هشت پرتو بشکل سه بر است که همه در درون چنبری قرار گرفته است . این نقش بر روی جامه ی سربازان جاویدان خوزی که کاشیهای رنگین آنها در شوش بدست آمده و در موزه ی لوور پاریس نگاهداری می گردد ، دیده می شود .

چنانکه پیش از این هم گفته ایم ، رنگ زمینه ی جامه یی که این نیزه دارها بر تن کرده اند زرد نارنجی است و زمینه ی چنبره هایی که خورشید در آنست با خود گرده ی خورشید ، سبز - آبی و پرتوهای خورشید که شماره ی آنها هشت تا است و بشکل سه برهای بهم پیوسته نشان داده شده ، سفید رنگ است .

این نقش نیز همچون گل لوتوس ، یک نقش نمادی است زیرا پیکره ی خورشید پرتوافشان یا خورشید به شکل گرده ی توپر ، بشکل چنبر تو خالی ، بشکل چنبر خالی یا یک نقطه در میان آن (چنانکه در نقش هایی که از مدارك یونانی بدست آمده دیده می شود) همگی نمایاننده ی خدای فروغ و روشنایی



شوش ، صورت قلعه شوش بر لباس کمانداران (لوور ، نقاشی سن الم گوتیه)



را تشکیل می‌داده‌اند .

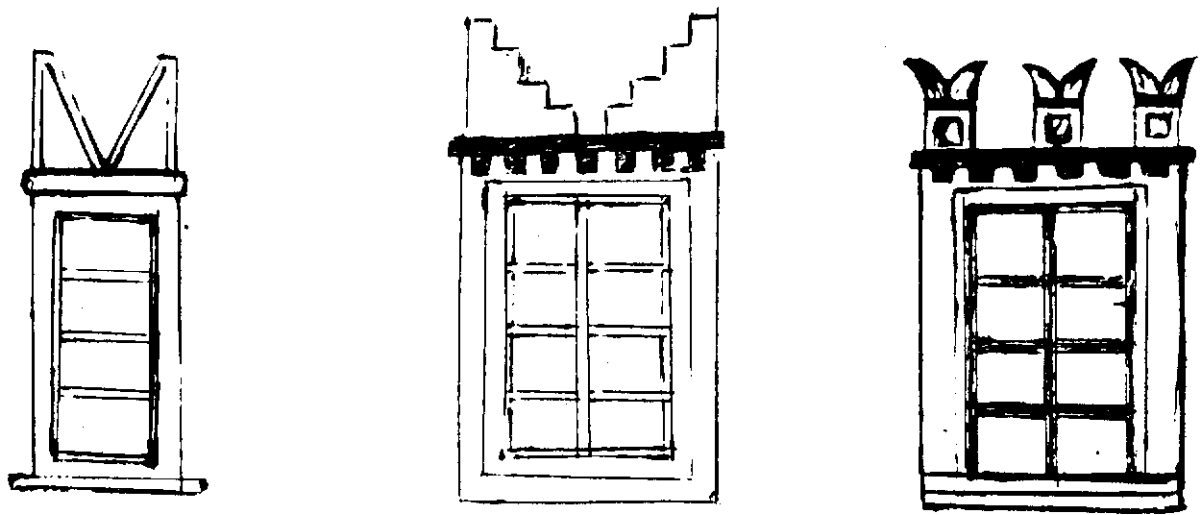
زمینه‌ی جامه‌ی سربازانی که از این پارچه پوشیده‌اند سفید است و رنگ تپه سبز-آبی است که یک خط کمانی سفید آنرا از برجها جدا می‌کند ، و تنه برج میانی نارنجی با کنگره‌های سبز-آبی و تنه برج‌های دوسوی آن سفید با کنگره‌های نارنجی است و نقش چهارگوشه‌یی که باریک قهوه‌یی محدود شده ، بطور منظم و بردیف در زمینه‌ی پارچه بافته شده است .

مانند ه‌ی نقش این جامه است ، نقش یک تکه بافته‌ی (منسوج) دوره‌ی هخامنشی که در پایریک سبیری بدست آمده و پیکره‌ی آن برای مقایسه و سنجش نقشها از کتاب آقای «رودنکو» باستان‌شناس روس ، در اینجا بچاپ میرسد .

چنانکه دیده می‌شود ، بر روی این بافته ، بجای سه برج ، پنج برج برنگهای گوناگون متقارن نقش گردیده و بجای تپه ، چهار نقش بادامی که رنگ آنها به تناسب زمینه ، جایجا تغییر یافته ، بافته شده است .

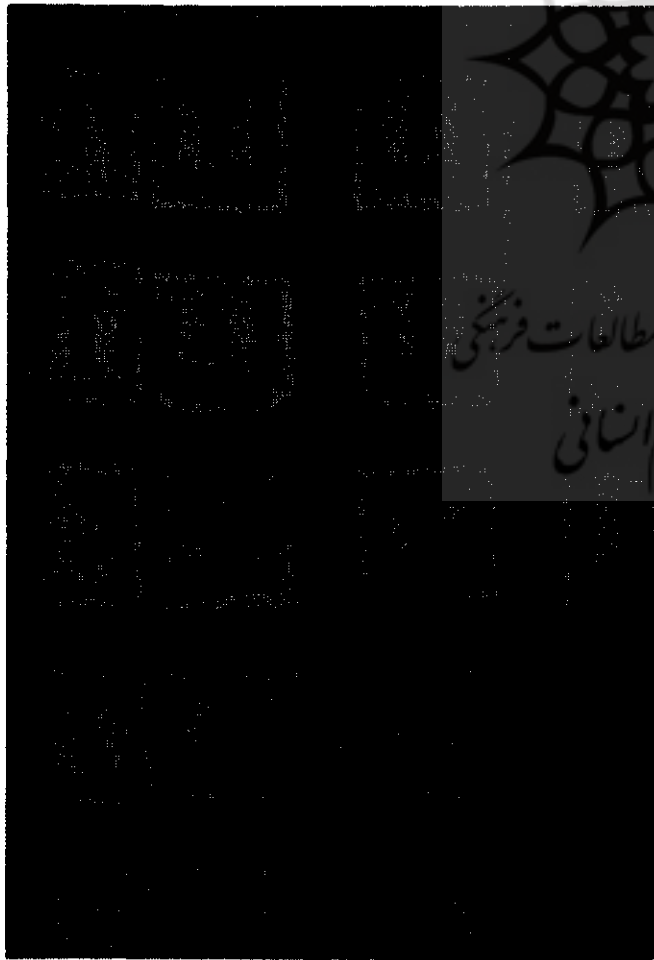
رنگ زمینه‌ی این بافته‌ی دوره‌ی هخامنشی چنانکه در پیکره‌ی رنگین کتاب باستان‌شناس روس دیده می‌شود ، عنابی تیره و رنگ برجها سفید و ماشی و سیاه است ، زمینه‌ی زیر برجها گاه ماشی با نقش بادامی سیاه ، و گاه سیاه ، با نقش بادامی ماشی بافته شده است و خود چهارگوشه‌یی که همه برجها و نقشها در درون آن قرار گرفته ، باریک سفید محدود گردیده است . گذشته از نقشهای نمادی که شمردیم و نقشهای هندسی که

سپس درباره‌ی آنها گفتگو خواهیم کرد ، خوشبختانه مدرک دیگری در دست است که نشان میدهد در دوره‌ی هخامنشی نیز همچون دوره‌های پارتی و ساسانی بافتن نقش پرندگان بر روی پارچه‌ها معمول بوده است .



بیکره‌ی چند پرستشگاه از سکه‌های فراتادارهای فارس

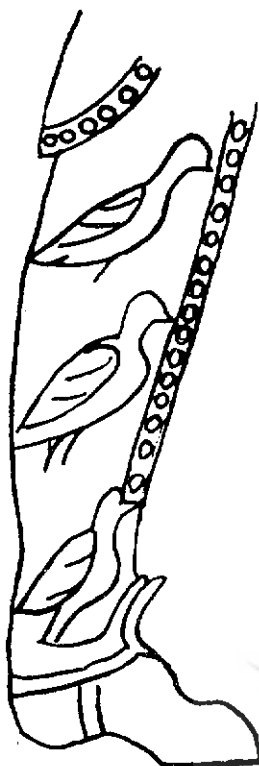
نقش يك تکه بافته‌ی عهد هخامنشی که در پازیریک بدست آمده



تنها مدرک این موضوع ، نقش پارچه‌ی شلوار مغی است که بیکره‌ی او بر روی برگه‌ی زرینی کنده شده و همراه با برخی آثار هخامنشی از گنجینه‌ی جیحون بدست آمده و اکنون در موزه‌ی بریتانیا نگاهداری می‌شود .

اگرچه این مغ که در حال اجرای مراسم کیشی و باپنام نشان داده ، جامه‌ی پارسی برتن ندارد و برخی از باستان‌شناسان نیز زمان ساخت آنرا اندکی پیش از دوره‌ی هخامنشیان میدانند ، لیک چون مربوط به ایرانست و پیش از زمان هخامنشی بودن او نیز بزبان گفته‌ی ما نیست ، از اینرو می‌توان آنرا نمونه‌ی از نقش پارچه‌های ایران دوره‌ی هخامنشی بشمار آورد . در این برگه‌ی زرین ، روی يك لنگه از شلوار بلند مغ ، سه پرنده که مانده‌ی کبک یا کبوترند ، نقش گردیده که بیگمان مربوط به نقش پارچه‌ی شلوار اوست زیرا سپس مانند این پرندگان را در جامه‌ها و پارچه‌های دوره‌ی ساسانی بفرآوانی خواهیم دید .

بودن این نقش در زمان هخامنشی یا پیش از آن بخوبی پیشرفت هنر بافندگی را در آن زمانها می‌رساند ، زیرا ، بافت این گونه نقش‌های غیر هندسی و نامتقارن و پیچیده ، نیاز بچیره‌دستی در نقشبندی و استادی در بافندگی دارد و پیداست که بافندگان دوره‌ی هخامنشی بدان پایه و مایه رسیده بوده‌اند . نقش‌ونگارهای دیگری که بر روی جامه‌های ایرانیان در آثار و مدارک یونانی دیده می‌شود عبارتست از نقش خطوط پهن متوازی ساده با دندانها و نقطه‌ها که بیننده را بیاد کنگره‌های ساختمانهای تخت‌جمشید و آرایش ازاره‌های آنها می‌اندازد .



نقش پارچه شلوار مغ ، از گنجینه‌ی جیحون



بیسره‌ی مغ ، بر روی برگه زرین ، از گنجینه‌ی جیحون

## ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

باریک چپراس و کوب‌های چهارپیر با نقطه و نقش‌های گرد و حلقه‌بی و نقش برگ بادمیرگ که پیش‌از این گفتیم بسیار مانده‌ی نقش بنه جقه است که سپس در پارچه‌های ایرانی بکار میرفت ، و چهارخانه‌های نقطه‌دار و جز آن که طرح‌هایشان در شماره‌ی بیست و دوم هنر و مردم بچاپ رسیده است ، می‌توان نام برد و این گفتار که در پیرامون نقش‌ونگار پارچه‌های دوره‌ی هخامنشی در اینجا نوشتیم از دیدگی تاریخ‌نویسان ایرانی ، زمین‌ی است بس تازه و ارجدار که تاکنون در هیچ کتاب و نوشته‌ی ، نیامده و برای نخستین بار است که در این نامه بچاپ می‌رسد .

۱ - تا دوره‌ی زندیه پارچه‌ی شلوارهای بلند بانوان ایرانی بیشتر دارای نقش‌ونگار راه راه (محترمت) و نقش‌های سوزن‌دوزی متوازی موآرب بود .

بافت این گونه نقش هنوز هم در چادرش‌های «کج» گیلان ، و جاجیم‌های آذربایجان و کردستان ، چوخاهای بختیاری‌ها و گلیم‌های بافت قشقایی و آذربایجان و قفقاز و حتی رومانی و بلغار ، دیده می‌شود .

از نقش و نگارهای هندسی دیگر ، نقش شطرنجی ، نقش راه راه که بنا بر نوشته‌ی تاریخ‌نویسان باستانی ویژه‌ی پارچه‌های شلوار بوده<sup>۱</sup> و خطوط متوازی عمودی با نقش‌های بادامی ، نقش‌های نقطه نقطه که گاه یک نقطه و گاه سه نقطه پهلوئی هم بوده ، نقش خطوط پهن «چپراس» (زیکزاک) که رنگ آنها بنا بر نقش یک تکه آجر لعابی که در شوش بدست آمده و اینک در موزه‌ی ایران باستان در تهران است بترتیب: قهوه‌بی یا سرخ ، آبی ، زرد ، قهوه‌بی یا سرخ بوده است ، نقش لوزیها و چهار گوشه‌های تودرتو ، نقش‌های مارپیچی و حلزونی و خطوط